

فَقَالَ اِنِّي اَحْبَبْتُ حُبَ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي ۝

نماز سلیمان در قرآن کریم

مهدی عصاره

استاد خرمشاهی ذیل ترجمه‌ی آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی مبارکه‌ی «ص» نوشته‌اند:
معنای این آیه این است که سلیمان علیه السلام به تماشای مسابقه‌ی اسبان (چهارده اسب برگزیده فرطی) پرداخته بود و از یاد نماز عصر که آن هنگام مستحب بود، غافل مانده بود. ^۱

مؤلفان محترم تفسیر نمونه نیز بر آن افزوده‌اند:

مگر ممکن است پیامبر معصومی وظیفه‌ی واجب خود را به دست فراموشی بسپارد؟ هرچند دیدن اسب‌ها نیز وظیفه‌ی دیگری از او بوده است؛ مگر این که به گفته‌ی بعضی نماز، نماز نافله و مستحب بوده باشد که فراموشی آن مشکلی ایجاد نکند. ^۲
ولی خوشبختانه علامه‌ی طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان می‌نویسند:
مجمع‌البیان ذیل آیه‌ی ۳۲ گفته: بعضی از مفسران گفته‌اند: رسیدگی به کار اسبان، او را از نماز عصر مشغول کرد، تا وقت نماز فوت شد، (نقل از علی علیه السلام) و در روایات اصحاب ما امامیه آمده: که فضیلت اول وقت از او فوت شد. ^۳

حاصل کلام را، در ترجمه‌ی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی که به حق، یکی از بهترین ترجمه‌های قرن حاضر است - و آن استاد گران‌مایه چند سال قبل از عروج‌شان

به ملکوت اعلیٰ آن را به چاپ رسانده‌اند. به شکلی زیبا و واقع بینانه می‌بینیم آن جا که در ترجمه و توضیح آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی «ص» می‌نویسند:

«و هبنا لداود سلیمان نعم العبد إله أواب . إذ عرض عليه بالعشى الصّافنات الجیاد . فقال ائی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ فطفق مسحاً بالسّوق و الأعناق .»

و سلیمان را به داوود بخشیدیم، نیکو بنده‌ای بود، همانا او بوسی بازگردنده [به سوی ما] بود. [یادکن] آن‌گاه که در پایان روز اسبان تیزتک را بر او عرضه داشتند. پس گفت: من دوستی خیر - یعنی اسبان - را بر یاد کرد پروردگارم - یعنی نماز عصر - برگزیدم تا [آفتاب] در پرده‌ی [شب] پنهان گشت - یعنی فرو شد؛ آنها (اسبان) را بر من بازگردانید، پس آغاز کرد به مالیدن دست به ساق‌ها و گردن‌ها [ی آن‌ها] - تا برای کفّاره‌ی غفلت از یاد پروردگار آن‌ها را در راه خدا «سبیل» کند.

ایشان در پاورقی یک همین صفحه از ترجمه‌های خویش می‌نویسد:

۱. مفسّران در معنی و تفسیر این دو آیه (۳۲ و ۳۳) وجوه و اقوال مختلف، بلکه متعارضی ذکر کرده‌اند که هیچ‌یک بی‌اشکال و پذیرفتنی نیست و برای آگاهی از آن‌ها باید به تفاسیر مشروح مراجعه کرد (مثلاً تفاسیر مجمع البیان و ابوالفتح رازی و المیزان و به خصوص تفسیر نمونه که اقوال بیشتر مفسّران را درباره‌ی این دو آیه رد می‌کند و خود وجهی را بر می‌گزیند). آن چه در ترجمه آوردیم بنا بر مشهورترین تفسیر است هر چند آن هم چندان روشن و بی‌اشکال نیست.^۴

حال جا دارد از خود سؤال کنیم چرا حق تعالی در قرآن کریم داستان «اسبان و حضرت سلیمان (علیه السلام)» را به صورت طرحواره‌ای این چنین کوتاه آورده است؟! آیا این طرحواره گنگ و غیر قابل درک است که ما متوسّل به تخیلاتی شویم که در تفاسیر می‌بینیم؟! و یا خیر؛ این طرحواره استوار، روشن و دقیق است ولی متأسفانه ما به دقت در آن ننگریسته‌ایم! جواب این سؤال چیست؟

در علم معنی‌شناسی، هنگامی که قصد داریم به معنی یک متن پی ببریم باید ابتدا به معنای کلمات متن و سپس به معنای عبارات و در آخر به معنای جملات توجه کنیم که در این صورت با توجه به بافت و کلّ متن نوشته شده و یا، گفتاری که می‌شنویم می‌توانیم به مفهوم و معنای درونی متن و خصوصاً کلمات آن پی ببریم.^۵

بر این اساس سؤال کُلّی بالا را به سؤالات کوچک تری تبدیل می‌کنیم تا به جوابی قانع‌کننده دست یابیم:

۱. در آیه ی ۳۱ «عَشِيَّ» چه زمانی است؟
۲. در آیه ی ۳۲ «حتی تورات بالحجاب» یعنی چه؟ و چه ارتباطی به «بالعشی» دارد؟
۳. بعد از فرموده ی حضرت سلیمان علیه السلام در آیه ی ۳۲؛ آیا حضرت کاری انجام داده یا نه؟ که بعد از آن، همین سخن را فرموده که «اسبها را نزد من باز آورید.»^۶
۴. چرا در آیه ی ۳۲ «ذکر» آمده و نه «صلوة» و آیا تفاوتی با هم دارند؟! در جواب می‌گوییم:

استاد قرشی در قاموس قرآن می‌نویسد:

عشو، ضعف بینایی و عشاء، کوری و از بین رفتن چشم می‌باشد و از طرف دیگر عشاء از اول مغرب تا وقت نماز عشا است.

و می‌افزاید که این قول را قرآن کریم تأیید می‌کند.^۷

ولی وقتی به عَشِيَّ می‌رسند، می‌نویسند:

به عقیده ی راغب از اول ظهر است تا صبح روز بعد.^۸

و می‌افزایند:

عشاء در قرآن تنها آمده ولی عَشِيَّ اغلب «ابکار-اشراق-غداة-بُکرة» مقابل آمده است.^۹

پس می‌توان نتیجه گرفت که عَشِيَّ یک طرف روز است!

از طرف دیگر این استاد گرامی ذیل «قصه ی اسبان» می‌نویسد:

«تورات بالحجاب» به قرینه ی «العَشِيَّ» غروب شمس است که عَشِيَّ طرف آخر عصر می‌باشد یعنی آفتاب به پرده پنهان شد.^{۱۰}

حال اگر عَشِيَّ «از اول ظهر است تا صبح روز بعد» پس چگونه می‌تواند «طرف آخر عصر» هم باشد؟! پس با تناقضی روبرو هستیم!

برای رفع این تناقض به تدبیر در قرآن کریم توسل می‌جوییم:

۱. همین آیه ی شریفه (آیه ی ۳۲) به ما می‌فهماند که «امری از حضرت قضا شده است یعنی حضرت زمانی را از دست داده است.» این زمان با توجه به آیه، از «بالعشی» آغاز می‌شود و به «حتی تورات بالحجاب» پایان می‌یابد که حضرت ناراحت می‌شود و خود را سرزنش می‌کند.

۲. عبارت «حتی تورات بالحجاب» با توجه به معنای آیه و قول استاد قرشی؛ معنی مشخصی دارد یعنی زمانی که خورشید کاملاً از دیده مخفی شد، یعنی حتی نوری از آن هم در آسمان نیست و این یعنی آغاز شب و پایان مرحله‌ی غروب خورشید!

۳. پس عشیّ هنگامی از روز است که هنوز نور خورشید در آسمان وجود دارد و غروب به پایان نرسیده است! و شاید به تعبیری «عصر»!

با توجه به این که در قرآن کریم یک بار کلمه‌ی «عصر» به کار رفته و آن هم در سوره‌ی مبارکه‌ی «عصر» واقع شده که مفهومی جز «زمان بعد از ظهر» دارد، دیگر نمی‌توانیم به کلمه‌ی «عصر»، با معنی معهود آن در ذهن ما که همان بعد از ظهر است، اطمینان کنیم. این در حالی است که در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی مبارکه‌ی روم حق تعالی می‌فرماید: فسبحان الله حين تمسون و حين تصبحون، «پس خدا را تسبیح گوید آن گاه که در عصر در آید و آن گاه که به بامداد در شوید.»^{۱۱} که در این جا حق تعالی به جای کلمه‌ی «عصر» از کلمه‌ی «تمسون» استفاده کرده است.

از طرفی، با توجه به آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی مبارکه‌ی روم وله الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حين تظهرون و آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی مبارکه‌ی طه؛ فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من انای اللیل فسبح و اطراف النهار لعلک ترضی؛ به این امر پی می‌بریم که خداوند متعال زمان را دسته‌بندی و به بخش‌هایی تقسیم کرده است. لذا باید ابتدا به دسته‌بندی زمان از نظر قرآن کریم دست یابیم تا بتوانیم به این چهار سؤال به شکلی شایسته پاسخ دهیم.

خداوند متعال در بیشتر موارد یادکرد دسته‌بندی زمان، به مفهوم کلی «لیل و نهار» اشاره فرموده، که خود در واقع بخش‌هایی کلی از مفهوم «یوم» در دنیا هستند. در قرآن کریم بیست تعبیر برای زمان آمده است که آن‌ها را فهرست وار در آغاز این مقاله می‌آوریم: یوم؛ لیل؛ نهار؛ سحر؛ شروق (طلوع الشمس)؛ صبح؛ ضحی؛ عشاء؛ عشی؛ دلوک الشمس؛ بکرة؛ اصیل؛ قائلون؛ الظهیرة و تظهرون؛ غسق اللیل؛ غدو و العداة؛ فجر؛ قبل طلوع الشمس؛ قبل غروبها و مساء (تمسون).

حال باید دید از نظر حوزه‌ی معنایی، و رابطه‌های شمول معنایی، تضمین معنایی و... این کلمات چگونه در کنار هم قرار می‌گیرند؟ آیا زیر مجموعه‌ی هم هستند یا دارای بخش‌های مشترکی می‌باشند یا...؟!

در جواب گوئیم:

یَوْمٌ: مفهومی کلی است که تمام نوزده مورد دیگر جزء حوزه‌ی معنایی آن هستند. لیل و نهار: مطلق «وجود و عدم وجود نور» در دسته بندی آن‌ها مورد نظر است چون «شب» نور خورشید دیده نمی‌شود و «روز» خورشید نور افشانی می‌کند. ناگفته نماند که بین لیل و نهار، «هنگامی» وجود دارد که به تعبیر قرآن کریم روز و شب، و بالعکس در هم وارد می‌شوند:

تولج الليل في النهار و تولج النهار في الليل... (آل عمران، ۲۷/۳)

نکته: با «یولج» هم همین عبارت در قرآن کریم ذکر شده است. (حج ۶۱/۲۲)

پس یَوْمٌ به چهار بخش تقسیم می‌شود:

لیل؛ نهار؛ اطراف اللیل؛ اطراف النهار

برای تشخیص بخش‌های مختلف «یَوْمٌ» می‌توان به «ترکیبات متضاد زمانی»- رابطه‌ی

تضاد معنایی- که در قرآن کریم ذکر شده است، استناد کرد: ۱۲

الف) عشی، بالعشی و عشیاً و عشیة؛ و اشراق، ضحاهها، تظھرون، بکرة و ابکار،

بالغداة و غدواً:

۱. بالعشی و الاشراق (ص، ۱۸/۳۸)، (در مورد نیایش کوه‌ها در زمان داوود علیه السلام).

۲. الّا عشیة او ضحاهها (نازعات، ۴۶/۷۹) (در مورد خواب پس از مرگ انسان‌ها).

۳. عشیاً و حین تظھرون (روم، ۱۸/۳۰)، (در مورد ذکر).

۴. بکرة و عشیاً (مریم، ۱۹/۱۱ و ۶۲)، (در مورد ذکر).

۵. بالعشی و الابکار (آل عمران، ۴۱/۳) و (غافر، ۵۵/۴۰)، (در مورد ذکر).

۶. بالغدوا و عشیاً (کهف، ۲۸/۱۸)، (در مورد ذکر).

۷. غدواً و عشیاً (غافر/۴۶)، (در مورد عذاب فرعونیان).

با توجه به هفت تقابل بالا:

الف: العشی، عشیاً و بالعشی در مقابل تظھرون، بکرة و ابکار، غدواً و بالغداة و

اشراق قرار گرفته است.

ب: عشیة در مقابل ضحاهها قرار گرفته است.

ب و ج: طلوع و غروب: قبل طلوع الشمس و قبل غروب [ها]، (طه/۱۳۰) و (ق، ۵۰/

۳۹)، (در مورد ذکر).

د) بکرة و ابکار؛ و عشیا، اصیلا :

۱. بکرة و عشیا (مریم/ ۱۱ و ۶۲)، (در مورد ذکر).
۲. بالعشی و الابکار (آل عمران/ ۴۱) و (غافر/ ۵۵)، (در مورد ذکر).
۳. بکرة و اصیلا (احزاب، ۳۳/ ۴۲) و (فتح، ۹/ ۴۸) و (انسان، ۲۵/ ۷۶) و (فرقان، ۲۵/ ۵)، (در مورد ذکر).

با توجه به تقابل های بالا :

الف: بکرة و ابکار، در مقابل بالعشی و عشیا قرار گرفته است .

ب: بکرة در مقابل اصیلا قرار گرفته است .

نکته: در آیه ی ۳۸ سوره ی مبارکه ی قمر، بکرة همراه «صَبَحَ» آمده است و زمانی دقیق را مطرح کرده است یعنی هنگامی خاص از «صبح» را: ولقد صبَّحهم بکرة عذاب مستقر، (نزول بر قوم لوط).

هـ: اصیل و آصال؛ و عدو و بکرة:

۱. بالغدو و الآصال (اعراف، ۷/ ۲۰۵) و (رعد، ۱۳/ ۱۵) و (نور، ۲۴/ ۳۶)، (در مورد ذکر).
۲. بکرة و اصیلا (احزاب/ ۴۲) و... (در مورد ذکر).

با توجه به دو تقابل بالا :

الف: آصال در مقابل بالغدو قرار گرفته است .

ب: اصیل در مقابل بکرة قرار گرفته است .

و، ز: دلوک الشمس و غسق اللیل: أقم الصلوة لدلوک الشمس إلى غسق اللیل... (اسراء، ۱۷/ ۷۸)، (در مورد برپایی صلوة [نماز]).

ح) قائلون؛ و بیاتا: ... بیاتا أو هم قائلون، (اعراف، ۴/ ۷)، (در مورد نزول عذاب بر اقوام گذشته هنگام خواب ایشان).

نکته: با توجه به ترجمه ی این آیه که بیاتا را «خواب شبانه» و قائلون را «خواب نیم روز» دانسته اند به تقابل این دو کلمه پی می بریم.^{۱۳}

ت) بیاتا؛ و نهارا: ... بیاتا أو نهارا... (یونس، ۱۰/ ۵۰)، (در مورد نزول عذاب بر کفار معاصر پیامبر اکرم ﷺ).

ی) تمسون؛ و تصبحون: فسبحان الله حين تمسون و حين تصبحون (روم/ ۱۷)، (در مورد ذکر).

علاوه بر «ترکیبات متضاد زمانی»، در قرآن کریم به بخش هایی از زمان برمی خوریم که هنگام ذکر آن ها در قرآن کریم تضادی بین آن ها و زمانی دیگر مطرح نشده است:

۱. ... من قبل صلوة الفجر... (نور/۵۸).
۲. ولقد صَبَّحَهُمْ بِكُورَةٍ... (قمر، ۳۸/۵۴).
۳. وَالصَّبْحَ إِذَا تَنَفَّسَ (تکویر، ۱۸/۸۱).
۴. سلام هی حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (قدر، ۵/۹۷).
۵. و بالأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (ذاریات، ۱۸/۵۱).
۶. و من اللیل فَسَبَّحْ و أدبَارِ التَّجْوَمِ (طور، ۴۹/۵۲).

خواننده ی محترم با کمی تأمل در خواهد یافت، بسیاری از آیاتی که تا کنون به آرامی از پیش چشم ما گذشته اند، در مورد ذکر بوده اند و نه صلوة! از این رو در این جا لازم است بخشی را به «صلوة و زمان» آن اختصاص دهیم تا به تفاوت این دو از بعضی جهات پی ببریم - لازم به یادآوری است که آیات ذیل خطاب به مسلمین است -:

۱. ... صلوة الفجر... (نور/۵۸).
۲. ... صلوة العشاء (نور/۵۸).
۳. حافظوا علی الصَّلوات و الصَّلوة الوسطی... (بقره/۲۳۸).
۴. و أقم الصَّلوة طرفی النَّهَارِ و زلفا من اللیل... (هود، ۱۱/۱۱۴).
۵. أقم الصَّلوة لدلوك الشمس إلى غسق اللیل و قرآن الفجر... (اسراء/۷۸).
۶. ... و من آنای اللیل فَسَبَّحْ و أطراف النَّهَارِ... (طه/۱۳۰).

ناگفته پیداست که «صلوة» نوعی عمل عبادی است که زمان دارد یعنی در طول چند دقیقه از زمانی خاص از شبانه روز انجام می شود و ادا می گردد و خداوند بر پایی آن را توسط بنی اسرائیل (بقره/۴۵ و ۸۳، مائده/۱۲) حضرت ابراهیم علیه السلام (ابراهیم/۳۷) فرزندان ابراهیم علیهم السلام (ابراهیم/۴۰) حضرت عیسی علیه السلام (مریم/۳۱) فرزندان یعقوب (مریم/۵۹) حضرت اسحاق و یعقوب علیهم السلام (انبیاء/۷۳) لقمان و فرزند لقمان (لقمان/۱۷) حضرت شعیب علیه السلام (هود/۸۷) حضرت موسی و هارون علیهم السلام (یونس/۸۷) خانواده ی موسی (مریم/۵۵) حضرت مریم علیها السلام (آل عمران/۴۳) به ما خبر داده است.

ویژگی های «صلوة»

۱. قبله، بقره/۱۱۵، ۱۴۲-۱۴۵؛ یونس/۸۷.

از این آیات شریفه متوجه می شویم در دین های یهود و مسیحیت قبله وجود داشته است .

- ۲ . وضو ، مائده / ۶ (در شرایط وضو و تیمم در اسلام) .
- ۳ . اذان ، مائده / ۵۸ (در مورد شرط بودن اذان قبل از نماز در اسلام) .
- ۴ . ملایم خواندن نماز ، اسراء / ۱۱۰ (خطاب به مسلمین) .
- ۵ . نماز شکسته برای مسافر ، نساء / ۱۰۱ (خطاب به مسلمین) .
- ۶ . وجود نافله در میان نمازها ، مزمل / ۲۰ .
- ۷ . توصیه به نماز جمعه ، جمعه / ۹-۱۰ .
- ۸ . وجود نماز و ارکان آن در میان اقوام گذشته :
- الف ، ب و ج) سجده ، رکوع و قنوت و بیان اذکار ، آل عمران / ۴۳ (خطاب به مریم علیها السلام) .
- د) قیام ، لقمان / ۱۷ (به عنوان نمونه خطاب لقمان به پسرش) .
- ۹ . محافظت زمان نماز ؛ زمان دار بودن نماز :
- الف) حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی... (بقره / ۲۳۸) .
- ب)...وهم علی صلاتهم یحافظون (انعام / ۹۲) .
- ج) و الذین هم علی صلاتهم یحافظون (مؤمنون ، ۲۳ / ۹) .
- د) و الذین هم علی صلاتهم یحافظون (معارج / ۳۴) .
- هـ) فویل للمصلین ، الذین هم عن صلاتهم ساهون (ماعون ، ۱۰۷ / ۴-۵) .

پس پیامبران و امم مسلمان پیشین برای «صلوة» ، با کمی تفاوت در دستورات ؛ خود موظف به رعایت مسائل بالا بوده اند . ولی هنگامی که «صلوة» را با «ذکر» در قرآن مقایسه کنیم به نکات جالب و جدیدی برمی خوریم :

- ۱ . ذکر در حالات مختلف می تواند به وقوع بپیوندد : قیام ، قعود ، علی جنوب ، تضرعا ، خیفه ، ذون الجهر ، و اذکر ربک فی نفسک (ذکر درونی) .
- ۲ . وقت ذکر ؛ ذکر همیشگی است : بالعشیّ و الابکار (آل عمران / ۴۱) ؛ بالغداوة و العشیّ (انعام / ۵) ؛ بالغدوّ و الاصال (اعراف / ۲۰۵) ؛ بکرة و عشیا (مریم / ۱) ؛ قبل طلوع الشمس و قبل غروبها (طه / ۱۳۰) ؛ آنای اللیل (طه / ۱۳۰) ؛ عشیا و حین تطهرون (روم / ۱) ؛ بکرة و اصیلا (انسان / ۲۵) .

با توجه به این که مفهوم «ذکر» گسترده تر از مفهوم «صلوة» است و در واقع ، رابطه ی

صلوة و ذکر در قرآن کریم شمول معنایی است و صلوة یکی از شکل‌ها و بخش‌های ذکر است لذا می‌توان این زمان‌ها را نیز برای صلوة هم مطرح دانست.

جمع بندی

در جواب سؤال اول آوردیم که دسته بندی زمان در قرآن کریم این گونه است:

۱. یوم ۲. لیل ۳. نهار ۴. اطراف اللیل ۵. اطراف النهار.

حال می‌گوییم با دقت در «دسته‌های متضاد ده‌گانه (ترکیبات متضاد زمانی) و «شش مورد غیر متضاد» و نیز «شش مورد اوقات صلوة» درمی‌یابیم که قرآن کریم روز را به بخش‌هایی دقیق تقسیم کرده است که پس از تدبّر و تعمق در آیات و ترجمه‌ی آن‌ها، در این جا از ابتدای روز تا پایان شب به ترتیب ذکر می‌شوند:

۱. فجر: لحظات پایانی شب با آغاز اذان «صلوة الفجر»:

فجر یعنی شکافنده‌ی شب، لذا فجر آغاز روز است البته بنا به مشهور، به روز حقیقی که نور خورشید و آفتاب در آسمان دیده می‌شود اطلاق نمی‌گردد، بلکه روز شرعی از فجر آغاز می‌شود و روز حقیقی (طبیعی) از صبح. ناگفته نماند روز رسمی از ساعت ۲۴ (۱۲ نیمه شب) شروع می‌شود.

نکته: «فجر» پس از «سحر» که در واقع آخرین قسمت شب است، قرار دارد.

۲. صبح: پیدا شدن سرخی آفتاب و لحظات آغاز روز:

به استناد آیه‌ی و الصّبح اذا تنفس (تکویر/ ۱۸) «سوگند به صبح چون دمیدن گیرد. ۱۴» شاید بتوان «بامداد» فارسی را با صبح عربی برابر دانست. ناگفته نماند با توجه به تقابل معنایی عبارات و کلمات آیات قرآن کریم، صبح آغاز طلوع خورشید (طلوع الشمس) تا ساعات آغازین روز است.

۳. بکرة: اولین لحظات در آمدن خورشید:

به استناد آیه‌ی و لقد سبّحهم بكرة (قمر/ ۳۸) و به راستی که سپیده دم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد. ۱۵ و نیز با توجه به بکرة که در مقابل عشیّا و اصیلا قرار می‌گیرد، این امر استنباط می‌شود، که در بند مربوط به عشی و اصیل به آن خواهیم پرداخت.

۴. غدوا: بیرون آمدن و ظهور خورشید که چند ساعت به طول می‌انجامد تا این که

روز به ظهر برسد؛ از صبح تا قبل از ظهر شرعی:

در قاموس قرآن ذیل غدو، استاد قرشی می آورد که «از اول صبح تا طلوع شمس» و این یعنی این که غدو در بخش آغازین روز قرار می گیرد، ولی چون در مقابل عشیّا و العشی قرار گرفته است، نشان می دهد غدو، زمانی است که در آن نور خورشید برعکس عشیّا و العشی، آرام آرام بر شدت افزوده می شود و بیشتر به چشم می آید لذا معنایی که مطرح شد، درست تر از آن چیزی است که در قاموس قرآن استاد قرشی آمده است.

۵. تظهورن: هنگامی که خورشید به عمودترین نقطه نسبت به زمین می رسد (ظهر شرعی) و این هنگامی است که خصوصاً در خط استوا ساعت ۱۲ می باشد یعنی نیمی از ۲۴ ساعت یک شبانه روز: در قرآن کریم نماز مربوط به این زمان را صلوة الوسطی (بقره/ ۲۳۸) معرفی می کند.

۶. دلوک الشمس: میل خورشید از وسط آسمان به سمت مغرب که چند ساعت به طول می انجامد؛ بعد از ظهر شرعی:

از نص آیه ی ۷۸ سوره ی مبارکه ی اسرا که می فرماید: أقم الصلوة لدلوک الشمس إلى غسق الليل... نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب بر پا دار... ۱۶ در می یابیم که قرآن کریم به تمایل خورشید اشاره دارد. هرچند مترجم محترم برای آن از «زوال آفتاب» استفاده کرده است و «زوال» همان گونه که می دانیم «انقراض و نابودی و انحطاط» را تداعی می کند در صورتی که در قرآن کریم «زوال» در این جا به معنی «جابجایی؛ و حرکت از جایی و رفتن به سوی» است! اگر این گونه به معنی این آیه در ترجمه ی استاد فولادوند بنگریم ترجمه درست است، هرچند قرآن کریم برای آفتاب و اوقات شرعی از مفهوم «زوال» به صراحت استفاده نکرده است.

ناگفته نماند که این آیه ذیل وجوب نماز عصر می آید، چون در قرآن کریم تنها جایی که به نماز عصر (به تعبیر امروزی ما!) اشاره شده، همین آیه است و الا در آیه ی ۱۱۴ سوره ی مبارکه ی هود که می فرماید: و أقم الصلوة طرفی النهار، نیز به نماز عصر به طور غیر صریح اشاره شده است چون فرموده «اطراف النهار»! چراکه در جای دیگر (طه/ ۱۳۰) حق تعالی «اطراف» را کار برده است و کلمه ی «اطراف» به بخش های مختلف روز می تواند مربوط باشد نه به بخش خاصی از آن!

۷. تمسون: آخر روز و قبل از غروب خورشید:

همان طور که در آیه ی ۱۷ سوره ی مبارکه ی روم دیدیم «تمسون» در مقابل «تصبحون» قرار گرفته است، پس هنگامی که صبح «پیدا شدن سرخی آفتاب و شروع روز را نوید

می دهد»؛ مساء «پنهان شدن خورشید و پایان روز را خبر خواهد داد»!
 ناگفته نماند مساء به غروب چسبیده است ولی بین غروب (کامل) و مساء، در قرآن کریم زمان دیگری مطرح شده است با عنوان «اصیل». از طرف دیگر در بند ششم جمع بندی اطلاعات (دلوک الشمس) آوردیم که برای نماز عصر (به تعبیر ما!) عبارت «دلوک الشمس» به صراحت ذکر شده است و در این جا باید بیفزاییم که وقت نماز بعد از ظهر (عصر) از «دلوک الشمس» است تا «حین تمسون» یعنی تا قبل از پایان روز و قبل از فرارسیدن وقت «اصیل»!
 ۸. اصیل: آخرین لحظات روز که به غروب خورشید متصل است:

اگر به آیات متعدّد مربوط به «اصیل» (بنده) که ذیل «ترکیبات متضاد زمانی» از نظر خوانندگان محترم گذشت، دقتی دوباره شود، در می یابیم که در قرآن کریم «اصیل» در مقابل «بکرة» قرار گرفته است و گفتیم که «بکرة» اولین لحظات طلوع خورشید است؛ پس «اصیل»، آخرین لحظات روز و فرو رفتن خورشید در خطّ افق است.

ناگفته نماند در بند مربوط به «اصیل»، «اصیل» در مقابل «غدوا» هم قرار گرفته است و آن به دلیل بیرون آمدن و ظهور خورشید؛ و بیان عملی عکس آن یعنی فرو رفتن و مخفی شدن خورشید است و طول زمان در این جا (این آیه) مطرح نیست و الا با آیات بالا «بکرة و اصیلا» هم خوانی نخواهد داشت!

۹. عشی: دور شدن آفتاب از افق (پایین ترین نقطه ی حضور خورشید در افق) و پنهان شدن آن از نظر و ضعف نور آن در آسمان:

آوریم که «عشی» در مقابل «تظهورن، بکرة غدوا» قرار دارد، حال با توجه به معانی تظهورن، بکرة و غدوا انصاف باید داد که عشی را به گونه ی بالا معنی کنیم. پس «عشی» در واقع نقطه ی آغاز غروب خورشید است تا پایان غروب خورشید! که در لسان حضرت سلیمان علیه السلام؛ مرحله ی پایانی آن با عبارت «تورات بالحجاب» بیان شده است. لذا اگر بعد از «اصیل» به لحظه ی غروب اشاره کنیم؛ و غروب خورشید را آغاز بدانیم، آن هم غروب کامل خورشید را! می توانیم زمان نماز مغرب را از همین آیه ی بالا استنباط کنیم یعنی «زمان نماز مغرب اولین ساعات شب (زلفا من اللیل) است، قبل از فرارسیدن وقت صلوة العشاء؛ که در واقع آخرین لحظات «عشی» است! پس «عشی» ابتدایش از آن روز است و پایش از آن شب یعنی... تولج النهار فی اللیل... (آل عمران/ ۲۷).

خلاصه این که: در هنگام عشی، غروب فرا می رسد و کامل می شود تا این که دیگر

خورشید و نور آن دیده نشود. این، زمان بر پایی مغرب (به تعبیر معهود ذهنی ما!) است و بعد از آن زمان بر پایی نماز عشا است. از این رو است که عشی و عشاء از یک ریشه هستند و به تازیک و کوری چشم، وضعف بینایی تعبیر شده اند. و به قول راننده های حرفه ای به دلیل دید کم، نباید در دو زمان رانندگی کرد: گرگ و میش صبح؛ و غروب آفتاب! حال به داستان اسبان و سلیمان علیه السلام بر می گردیم:

۱. طرف های غروب (عشی) اسب های اصیل را بر حضرتش عرضه کردند.
 ۲. ضمناً به این نتیجه رسیدیم که «عشی» زمان بسیار کمی است بین آخرین لحظات روز و پایان غروب خورشید که شاید نیم ساعت هم نشود!
 ۳. حضرتش در همان چند دقیقه و حداکثر در آن نیم ساعتی که مشغول بازدید اسب های اصیل بوده است در جایی حاضر بوده اند که درک زمان و گذر آن برای ایشان مشکل بوده است مثلاً در یک اصطبل!

از این رو خود آن حضرت می فرماید: *إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي...، واقِعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم... ۱۷ و نفرموده «عن صلوتی»!* لذا حضرتش از این غفلت شرم زده می شود و توبه می کند: *«أَنَّهُ أَوَّابٌ»*

به عقیده ی نگارنده، دلیل ذکر این داستان بدین گونه و در این سوره، بیان همین تذکر الهی است که ذکر و یاد خداوند بالاتر از خدمت در راه دین است! یعنی مسلمان باید حافظ اوقات نمازش باشد و کسی که به این امور مقید باشد خداوند او *(...نعم العبد...)* را یعنی بنده ای نیکو و با ارزش می خواند!

۴. بعد از این تذکر، حضرتش به نماز مشغول می شود یعنی «ذکر ربی»! ناگفته پیداست حضرتش در اینجا نتوانسته خود را قبل از ورود به وقت نماز، مهیای برگزاری نماز کند، از این رو بعد از ورود به وقت نماز و سپری شدن بخشی از زمان آن، نماز را به پا داشته است. حال به مسأله ی قضای نماز می رسیم! به این مسأله ی دو جواب می توان داد:

الف) اگر در ادیان گذشته هر نماز وقت مخصوص و دقیق مربوط به خود داشته است و با اذان یا صدایی خاص، اعلام می شده است شاید بتوان در جواب سؤال آیا نماز حضرت فوت شده؟ گفت: بله! اما با توجه به تورات فعلی، امری این چنین دقیق در مورد نماز وارد نشده است. از طرف دیگر بنا به قول و فعل امامیه، فضیلت نماز اول وقت آن حضرت در ادای نماز مغرب از دست رفته است و نه این که نماز مغربش قضا شود! یعنی

نماز مغرب در عصر حضرت سلیمان علیه السلام یکی از نمازهای یومیه بوده است! (ب) اگر در ادیان گذشته هر نماز وقت مخصوص و دقیق مربوط به خود نداشته باشد دیگر مشکلی در این خصوص وجود نخواهد داشت که می توان به تورات و انجیل فعلی استناد کرد!

بنابر مطالبی که تاکنون در مورد «دلوک الشمس، تمسون و اصیل» آمد و با استدلال به دو شرط بالا خواهیم پذیرفت نمازی که قضا نشده است هیچ؛ نماز مطرح شده در این داستان، نماز عصر نیست بلکه نماز مغرب است، که فضیلت اول وقت آن، از آن حضرت در چنین زمان و داستانی فوت شده و حضرتش سریعاً توبه کرده است!

۵. حضرتش پس از نماز دستور می دهد: **ردّوها علی فطفق مسحاً بالسّوق و الأعناق،** [گفت: اسبها] را نزد من باز آورید. پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساقها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا].^{۱۸}

آیا اسبها را حضرت نوازش کرده یا آنها را واری کرده و یا آنها را بخشیده است؟! هرکسی چیزی گفته است! اما از این که قرآن کریم تنها داستانی را این گونه بریده، بریده نقل می کند و آخر آن را دست کشیدن در ساقها و گردن اسبها قرار داده است، باید تعجب کرد. در قرآن کریم و در اصول داستان نویسی جدید، عمل باید دلیل داشته باشد و دلیل برگرداندن اسبها نزد حضرتش نباید تنها دست کشیدن باشد؛ تازه باید بعد از آن پرسید «برای چه هدفی دست کشید؟» پس با احتمال قریب به یقین می توان قول امیر المؤمنین علی علیه السلام را از کتاب ترجمه‌ی تفسیر طبری نقل کرد که دلنشین تر است، آن جا که حضرت می فرماید: حضرتش اسبها را به جهت کفاره در راه خدا با داغهایی در دستها و پایها و گردنها بخشید.^{۱۹} یعنی پایان داستان!

پس **فطفق مسحاً بالسّوق و الأعناق** کنایه است به: «دست کشیدن به جهت مهربانی و مرحمت و تیمار، و نیز دست کشیدن به جهت قرار دادن آنها در میان اموال عمومی.»
۱۰. عشاء: آغاز شب و فرارسیدن هنگام «صلوة العشاء» که تا نیمه‌ی شب ادامه دارد: همان طور که از نظر خوانندگان محترم گذشت بر اساس آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی مبارکه‌ی اسرا می فرماید: **أقم الصلوة لدلوك الشمس إلى غسق الليل و قرآن الفجر...**، «نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار، و [نیز] نماز صبح را...»^{۲۰} و آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی مبارکه‌ی نور در مورد اجازه گرفتن برای ورود افراد غیر بالغ (اهل تمیز) و کنیزها به اتاق،

پس از نماز عشا؛ متوجه می شویم که «عشا» هنگامی از شب است که مردم بعد از غروب آفتاب به نماز می ایستند، سپس برای استراحت به اتاق‌ها و خانه‌هایشان روی می‌آورند. این زمان، از آغاز وقت نماز عشا تا غسق اللیل (نیمه شب) ادامه دارد. پس از پایان وقت نماز عشا بخش کوچکی از شب شروع می‌شود که در آن هیچ اجباری برای برگزاری نماز، ذکر و یاد خداوند وجود ندارد، در این خصوص می‌توان به آیات شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی مزمل رجوع کرد که خداوند به پیامبرش ﷺ می‌فرماید:

به پا خیز شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن بکاه، یا بر آن [نصف] بیفزای، و قرآن را شمرده شمرده بخوان. ۲۱

منظور از «نیمی از شب»، نیمی از زمان پس از پایان وقت نماز عشا است که می‌توان نافله‌های مختلفی را در آن به جا آورد. پس شب از نظر قرآن کریم به دو نیم تقسیم می‌شود: الف) نیم اول، برای وقت نماز عشا (سه ساعت و نیم بعد از آغاز وقت نماز عشا از نظر امام خمینی (ره)).

ب) نیم دوم که از نیمه شب (حدوداً ساعت ۱۲ شب) آغاز می‌شود و تا پایان وقت سحر ادامه دارد؛ یعنی حدوداً چهار تا پنج ساعت که پس از آن روز دیگری آغاز می‌شود با اذان فجر یا صبح (به تعبیر امروزی آن!).

۱۱. أدبار التَّجْوَم: فرو شدن و ضعف نور ستارگان، و آخرین ساعات شب: این مطلب از آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی مبارکه‌ی طور استنباط می‌شود، آنجا که حق تعالی می‌فرماید: *ومن الليل فسبحه وأدبار التجوم.*

در انتهای این مقاله برای درک بهتر عظمت، و معجزه بودن قرآن کریم جا دارد به گاه‌شماری نزول آیات «دسته‌بندی زمان (شبهانه روز) در قرآن کریم» نیز نظری بیافکنیم تا به ظرافت تعابیر قرآن کریم و موقع‌شناسی این کتاب عظیم که کلام الهی است پی ببریم. لازم به ذکر است در اینجا؛ ترتیب آیات را از کتاب با ارزش «سیر تحول قرآن» مرحوم مهندس مهدی بارزگان نقل می‌کنیم:

۱. سال چهارم بعثت، خطاب به حضرت رسول ﷺ:

نماز شب (طور/۴۹) نماز شب (قدر/۵) سحر (ذاریات/۱۸).

۲. سال پنجم بعثت، در داستان حضرت سلیمان عليه السلام و اسبان:

عشی (ص/۳۱) توارت بالحجاب (ص/۳۲).

۳. سال ششم بعثت، خطاب به مسلمانان، با به کار بردن فعل جمع «تمسون، تصبحون و تظهرون»:

نماز ظهر (روم/۱۸)، نماز عصر (روم/۱۷) [احتمالاً قبل از ورود به شعب ابی طالب و حداکثر در شعب]. ۲۲

۴. سال هشتم بعثت، خطاب به مسلمانان، با عبارت «واقم الصلوة»: نماز عصر، نماز عشا و نماز صبح (فجر) (اسراء/۷۸) [در شعب ابی طالب]

نکته: در این آیه ی شریفه بیان وقت دقیق نماز عصر (به تعبیر ما!) ارائه شده است.

۵. سال نهم بعثت، خطاب به مسلمانان، با عبارت واقم الصلوة: نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب (هود/۱۱۴) [احتمالاً قبل از خروج از شعب ابی طالب، و حداکثر مدت کمی بعد از خروج از شعب].

نکته: جالب است بدانیم که خداوند حکیم در سوره ی مبارکه ی عصر بهترین ابزار تحمّل فشارهای مختلف را «انجام عمل صالح، پناه آوردن به حق و درستی، و شکیبایی» (عصر/۳) می داند و آیا در نماز، همه ی اینها وجود ندارد؟! از این رو است که خداوند دستور برپایی همه ی نمازهای واجب را در این دوره ی سخت از حیات اسلام صادر فرموده است!

۶. سال دوازدهم بعثت، خطاب به مسلمانان، با عبارت ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذين معك... (مزمل، ۲۰/۷۳).

بیان وجود نافله در میان نمازها؛ که البته برای مسلمانان، «وجوب آن» مطرح نشده است.

۷. سال نهم هجرت، خطاب به مسلمانان، با عبارت حافظوا على الصلوات و الصلوة الوسطی... (بقره/۲۳۸) برای برپایی نمازهای گوناگون و نماز وسط (ظهر).

در این جا حق تعالی تأکید بر حفظ اوقات شرعی نماز دارد و خصوصاً نماز وسط روز (نماز ظهر فقط).

۸. سال دهم هجرت، خطاب به مسلمانان، برای حفظ شؤون اخلاقی و مسائل زناشویی؛ و بیان ویژگی های فرزندان اهل تمیز: نماز فجر (صبح)، نماز عشا، نماز ظهر و نماز عصر، (نور/۵۸).

در این جا حق تعالی به طور غیر مستقیم از اوقات نماز سخن می گوید چون مسلمانان باید بر اساس اوقات شرعی، زمان خواب و بیداری خود را مشخص کنند و نه بر اساس ساعات رسمی و کار! - چند مورد مطروحه تا کنون، نکته هایی از فرهنگ آفرینی قرآن کریم

و نمونه‌هایی از کار آمدی فرهنگ اسلامی در عرصه‌ی زندگی فردی و اجتماعی هستند۔ از طرف دیگر هر مسلمان حق دارد بخشی از روز را که با برپایی نمازش تداخل و تلاقی نداشته باشد، برای استراحت و آرامش قرار دهد.

نکته: نمازهای مهم از نظر اسلام و قرآن مجید به ترتیب عبارتند از:

الف) نماز ظهر؛ ب) نماز صبح؛ ج) نماز عصر؛

و اما نکته‌ی آخری که در پایان این مقاله، از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد و جمع‌بندی مطالب این بخش است:

حق تعالی در سال پنجم بعثت که هنوز مسلمانان با «اوقات شرعی روزه و نماز» آشنایی نداشته‌اند از ذکر عناوین شرعی آن‌ها خودداری کرده است و حتی «صلوة» را نیز به کار نبرده است و از قول حضرت سلیمان عليه السلام فرموده است: «ذکر ربّی».

از طرف دیگر، شخصیت و افعال حضرت سلیمان عليه السلام را هم به واقع؛ و هم در موقعیت سال پنجم بعثت بسیار خوب به تصویر کشیده است، چون در غیر این صورت؛ نزول این آیات می‌توانست از طرف یهود و حتی نصارا برای مسلمانان و اسلام ایجاد خطر کند و این موقع‌شناسی حق تعالی را در نزول آیات و شیوه‌ی بیان‌شان ثابت می‌کند.

۱. قرآن کریم، به ترجمه‌ی بهاء الدین خرمشاهی/ ۴۵۵، همان. ۹.
- پاورقی ۳۲. ۱۰. همان، ۳/ ۳۱۲.
۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۹/ ۲۷۶-۲۷۷.
۳. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۷/ ۳۲۴-۳۲۵.
۴. القرآن الحکیم/ ۴۵۵، تهران: انتشارات حکمت، چاپ دوم بهار ۱۳۷۶ با بازنگری و ویرایش جدید و تکمیل توضیحات.
۵. ر. ک: فرانک ر. پالمر، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه‌ی دکتر کوروش صفوی؛ مقدمه و خصوصاً بخش ششم (معنی و جمله) و نیز ر. ک: محمد رضا حسینی، از ژرفای قرآن، ترجمه‌ی دکتر محمد مهدی فولادوند، بخش روش تدبیر در قرآن/ ۳۶-۴۷.
۶. قرآن مجید با ترجمه‌ی دکتر محمد مهدی فولادوند/ ۴۵۵.
۷. قرشی، قاموس قرآن، ۵/ ۳؛ ذیل عشو.
۸. همان/ ۴.
۹. همان.
۱۰. قرآن مجید، ترجمه‌ی فولادوند، / ۴۰۶.
۱۱. این روش یکی از روش‌های است که برای فهم آیات و کلمات قرآن کریم در کتاب «متدولوژی تدبیر در قرآن» به قلم مهندس عبدالعلی بازرگان عنوان شده است.
۱۲. القرآن الحکیم، ترجمه‌ی مجتبی‌ی/ ۱۵۱.
۱۳. قرآن مجید، ترجمه‌ی فولادوند/ ۵۸۶.
۱۴. همان/ ۵۳۰.
۱۵. همان/ ۲۹۰.
۱۶. همان/ ۴۵۵.
۱۷. همان.
۱۸. ر. ک: ترجمه‌ی تفسیر طبری، ۶/ ۱۵۶۲-۱۵۶۵.
۱۹. قرآن مجید، ترجمه‌ی فولادوند/ ۲۹۰.
۲۰. همان/ ۵۷۴.
۲۱. مطالب داخل قلاب از نگارنده‌ی مقاله است.
- ۲۲.